

استاندارد حسابداری شماره ۱۵
حسابداری سرمایه‌گذاریها
(اصلاح شده ۱۳۹۹)



استاندارد حسابداری شماره ۱۵ حسابداری سرمایه‌گذاریها

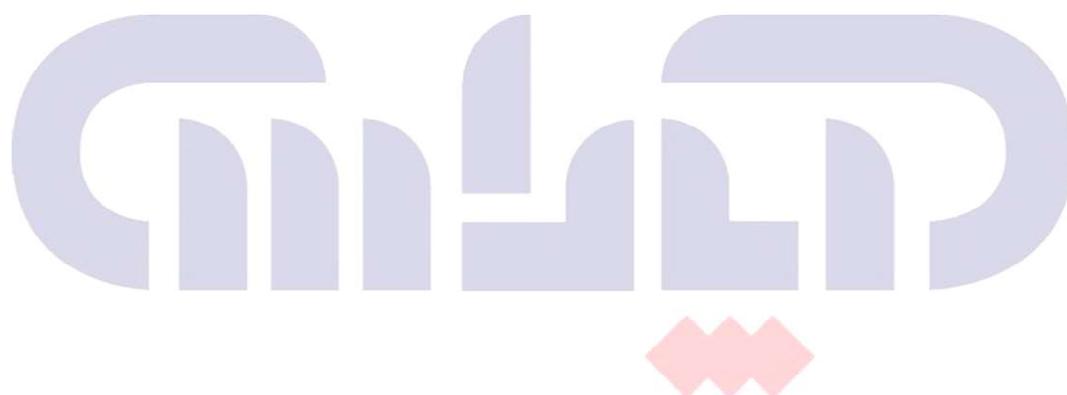
فهرست مندرجات

شماره بند	
۱ - ۴	دامنه کاربرد
۵ - ۹	تعاریف
۱۰ - ۱۲	انواع سرمایه‌گذاری
۱۳ - ۱۹	طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها
۲۰ - ۲۴	بهای تمام‌شده سرمایه‌گذاریها
۲۵	انعکاس به ارزش بازار
۲۶ - ۲۸	تعیین ارزش بازار اوراق سریع‌المعامله
۲۹ - ۳۸	مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها
۳۹ - ۴۴	تغییر مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها
۴۵ - ۴۸	واگذاری سرمایه‌گذاریها
۴۹ - ۵۲	تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها
۵۳ - ۵۶	صورت سود و زیان
۵۷	مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری
۵۸ - ۶۰	افشا
۶۱	تاریخ اجرا
۶۲	مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری

استاندارد حسابداری شماره ۱۵ حسابداری سرمایه‌گذاریها

استاندارد حسابداری شماره ۱۵
حسابداری سرمایه‌گذاریها

این استاندارد باید با توجه به "مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری"
مطالعه و بکارگرفته شود.



دامنه کاربرد

۱. این استاندارد به نحوه حسابداری سرمایه‌گذاریها و الزامات افشای اطلاعات مربوط می‌پردازد.

۲. حسابداری سرمایه‌گذاری در کلیه واحدهای تجاری باید طبق الزامات این استاندارد انجام شود. این استاندارد نحوه حسابداری سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته در صورتهای مالی تلفیقی را تعیین نمی‌کند لیکن درخصوص نحوه حسابداری سرمایه‌گذاریهای پیشگفته در صورتهای مالی واحد تجاری اصلی کاربرد دارد مگر در مواردی که در استانداردهای حسابداری مربوط به سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته نحوه عمل دیگری تجویز شده باشد.

۳. موارد زیر در این استاندارد مورد بحث قرار نمی‌گیرد:

الف. مبانی شناخت درآمدهایی که به صورت سود تضمین شده، سود سهام و غیره از سرمایه‌گذاریها عاید می‌شود (رجوع شود به استاندارد حسابداری شماره ۳ با عنوان درآمد عملیاتی).

ب. سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری فرعی و وابسته در صورتهای مالی تلفیقی.

ج. سرمایه‌گذاریهای خاص از جمله ابزارهای مالی پیچیده.

د. سرمایه‌گذاریهایی که توسط طرحهای مزایای بازنشستگی و مؤسسات بیمه عمر انجام می‌شود.

ه. سرمایه‌گذاری در املاک.

۴. نظر به اینکه یکی از ویژگیهای کلیه سرمایه‌گذاریها، ایجاد منافع اقتصادی برای واحد سرمایه‌گذار است، نحوه حسابداری مندرج در این استاندارد عملکرد سرمایه‌گذاری یک واحد سرمایه‌گذار را به نحو مناسب شناسایی و اندازه‌گیری می‌کند. لذا، این استاندارد، در مورد کلیه واحدهای تجاری سرمایه‌گذار، صرف نظر از ماهیت، درصد سرمایه‌گذاری و حجم فعالیت سرمایه‌گذاری آنها، از جمله شرکتهای تخصصی سرمایه‌گذاری کاربرد دارد. با این حال، این امر مانع تدوین رهنمودهای ویژه برای صنایع و گروههای واحدهای تجاری خاص با رعایت اصول کلی مندرج در این استاندارد نیست.

تعاریف

۵. اصطلاحات ذیل در این استاندارد با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

سرمایه‌گذاری: نوعی دارایی است که واحد سرمایه‌گذار برای افزایش منافع اقتصادی از طریق توزیع منافع (به شکل سود سهام، سود تضمین شده و اجاره)، افزایش ارزش یا سایر مزایا (مانند مزایای ناشی از مناسبات تجاری) نگهداری می‌کند.

سرمایه‌گذاری بلندمدت: به طبقه‌ای از سرمایه‌گذاریها گفته می‌شود که به قصد استفاده مستمر در فعالیتهای واحد تجاری نگهداری شود. یک



سرمایه‌گذاری هنگامی به عنوان دارایی غیرجاری طبقه‌بندی می‌شود که قصد نگهداری آن برای مدت طولانی به وضوح قابل اثبات باشد یا توانایی واگذاری آن توسط سرمایه‌گذار مشمول محدودیتهایی باشد.

سرمایه‌گذاری جاری: به طبقه‌ای از سرمایه‌گذاریها گفته می‌شود که سرمایه‌گذاری بلندمدت نباشد.

سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار: نوعی سرمایه‌گذاری است که برای آن بازار فعالی که آزاد و در دسترس است وجود دارد به طوری که از طریق آن بتوان به ارزش بازار یا شاخصی قابل اتکا که محاسبه ارزش بازار را امکان‌پذیر سازد، دست یافت.

سود سهمی (یا سهام جایزه): عبارت است از توزیع سود به شکل سهم بین صاحبان سهام یک واحد تجاری از محل سود تقسیم نشده یا اندوخته‌ها که با توجه به اصلاحیه قانون تجارت موکول به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده است.

حق تقدم: به موجب ماده ۱۶۶ اصلاحیه قانون تجارت، حقی است قابل نقل و انتقال که در زمان خرید سهام جدید توسط صاحبان سهام واحد تجاری به نسبت سهامی که مالکند به ایشان تعلق می‌گیرد.

سرمایه‌گذاری در املاک: املاک (زمین یا ساختمان- یا قسمتی از ساختمان- یا هر دو) تکمیل‌شده یا در جریان ساخت است که به قصد دریافت اجاره‌بها یا افزایش ارزش یا هر دو (توسط مالک یا توسط اجاره‌کننده به عنوان دارایی اجاره تأمین مالی) نگهداری می‌شود، و برای مقاصد زیر نگهداری نمی‌شود:

الف. استفاده در تولید یا عرضه کالاها یا خدمات یا برای مقاصد اداری؛ یا

ب. فروش در روال عادی فعالیت‌های تجاری.

صندوق سرمایه‌گذاری: نهاد مالی است که منابع مالی حاصل از انتشار گواهی سرمایه‌گذاری را در موضوع فعالیت مصوب خود سرمایه‌گذاری می‌کند.

۶. اگرچه ویژگی زیربنایی سرمایه‌گذاری این است که با قصد کسب منافع اقتصادی آتی انجام می‌پذیرد، اما این ویژگی در مورد کلیه داراییها مصادق دارد. این امر مشکلاتی را در تعریف سرمایه‌گذاری از نظر مقاصد این استاندارد ایجاد می‌کند زیرا این استاندارد قصد ندارد سایر داراییهای مورد استفاده واحد تجاری از قبیل داراییهای ثابت مشهود و موجودی مواد و کالا را دربر گیرد. این مشکل در مواردی که سرمایه‌گذاری خصوصیتی مشابه با دیگر داراییها دارد، مضاعف می‌شود. مثلاً در مواردی که عملیات خرید و فروش سرمایه‌گذاری بخش عمده فعالیت روزمره یک واحد تجاری را تشکیل می‌دهد، پرتفوی سرمایه‌گذاریها، مشابه موجودی مواد و کالا در سایر واحدهای تجاری است.

۷. به هر صورت، در تدوین استاندارد حسابداری برای سرمایه‌گذاریها، این فرض تلویحی وجود دارد که دارایی طبقه‌بندی شده به عنوان سرمایه‌گذاری، مستلزم نحوه حسابداری متفاوتی از سایر داراییهاست. این



امر به نوبه خود حاکی از این است که در ماهیت سرمایه‌گذاری خصوصی وجود دارد که آن را از سایر داراییها متمایز می‌سازد. ویژگی متمایزکننده سرمایه‌گذاری به عنوان طبقه‌ای از داراییها، طریقه خاص کسب منافع اقتصادی آن است. این منافع اقتصادی ممکن است به یکی از اشکال زیر یا هر دوی آنها حاصل شود. شکل اول دریافتهای ناشی از توزیع منافع، از قبیل سود تضمین شده و سود سهام است. در مفهومی گسترده‌تر، این شکل دربرگیرنده شرایط مساعد تجاری است که از طریق یک سرمایه‌گذاری تجاری فراهم می‌آید. شکل دوم، منفعت سرمایه‌ای است که منعکس‌کننده افزایش در ارزش مبادلاتی یک سرمایه‌گذاری طی دوره نگهداشت آن توسط واحد تجاری است. این ویژگی در تعریف سرمایه‌گذاری برای مقاصد این استاندارد بکار گرفته شده است. اگرچه ارزش سایر داراییها از قبیل ساختمان و ماشین‌آلات نیز ممکن است طی زمان افزایش یابد، لیکن این اقلام تنها در مواردی طبق این استاندارد به عنوان سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود که برای این هدف و نه به قصد استفاده در عملیات واحد تجاری، نگهداری شده باشد.

۸. ممکن است ادعا شود که سرمایه‌گذاری نگهداری شده توسط معامله‌گران سهام به عنوان موجودی که به قصد کسب سود در جریان عادی فعالیت‌های تجاری آنها صورت گرفته است، در تعریف سرمایه‌گذاری طبق این استاندارد قرار نمی‌گیرد. لیکن این اعتقاد وجود دارد که دارایی مورد معامله به شیوه مزبور، همان خصوصیات زیربنایی را داراست که در صورت نگهداشت توسط یک واحد تجاری دیگر و فروش آن به یک معامله‌گر سهام و یا خریدار نهایی دیگری دارا می‌بود. بنابراین نحوه حسابداری سرمایه‌گذاریهای نگهداری شده به منظور خرید و فروش توسط معامله‌گران سهام نیز مطابق این استاندارد است.

۹. تعریف سرمایه‌گذاری طبق این استاندارد تعریفی عام است. با این حال اضافه می‌شود که تعریف مزبور، شامل اوراق سهام، اوراق مشارکت با حداقل سود تضمین شده، حق تقدم خرید سهام، کالاها (غیر از آنهایی که به قصد مصرف یا خرید و فروش، در جریان فعالیت‌های عادی واحد تجاری نگهداری شود) و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار بانکی می‌باشد. ضمناً اقلام مزبور کلیه موارد را دربر نمی‌گیرد.



انواع سرمایه‌گذاری

۱۰. سرمایه‌گذاری ممکن است به اشکال مختلفی صورت گیرد و به دلایل گوناگونی نگهداری شود. برخی سرمایه‌گذاریها ممکن است در قالب اسنادی که بیانگر بدهی پولی به دارنده آنهاست، ظاهر بشوند (نظیر برخی اوراق مشارکت). برخی از این سرمایه‌گذاریها ممکن است متضمن سود تضمین شده حداقلی باشند. سرمایه‌گذاریها همچنین می‌توانند در قالب مالکیت سهام یک واحد تجاری دیگر ظاهر شوند. این سرمایه‌گذاریها بیانگر حقوق مالی است. سایر اشکال سرمایه‌گذاری شامل نگهداری داراییهای عینی مثل زمین و ساختمان، فلزات گرانبها یا دیگر کالاها از جمله آثار هنری است. سرمایه‌گذاریهای مختلف از نظر سهولت تبدیل به وجه نقد یا سایر داراییها، میزان داد و ستد و ماهیت بازار مربوط و ویژگیهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند.

۱۱. ماهیت و سطح سرمایه‌گذاری یک واحد تجاری و حجم فعالیت آن در زمینه خرید، نگهداری و فروش سرمایه‌گذاریها در واحدهای مختلف فرق می‌کند. برای برخی واحدهای تجاری خصوصاً واحدهایی که در بخشهای خاص خدمات مالی فعالیت دارند، فعالیت سرمایه‌گذاری بخش عمده عملیات واحد تجاری را تشکیل می‌دهد و عملکرد آن در زمینه سرمایه‌گذاری به میزان قابل ملاحظه‌ای برنتایج عملیات آن تأثیر می‌گذارد. برخی واحدهای تجاری از قبیل شرکتهای تخصصی سرمایه‌گذاری صرفاً در زمینه نگهداری و مدیریت پرتفوی سرمایه‌گذاری در بلندمدت فعالیت می‌کنند تا برای صاحبان سرمایه خود درآمد یا رشد سرمایه فراهم آورند. برای سایر واحدهای تجاری، سرمایه‌گذاری ممکن است به عنوان یک منبع وجوه مازاد نگهداری شود و بخشی از فعالیت مدیریت وجوه نقد آن را تشکیل دهد. همچنین یک واحد تجاری ممکن است به منظور اعمال نفوذ قابل ملاحظه یا اعمال کنترل برسیاستهای مالی و عملیاتی واحد تجاری دیگر، در سهام آن سرمایه‌گذاری کند. بعلاوه سرمایه‌گذاری ممکن است به منظور تحکیم رابطه تجاری یا دستیابی به یک مزیت تجاری نگهداری شود.

۱۲. برای برخی سرمایه‌گذاریها، بازار فعالی وجود دارد که بر مبنای آن، می‌توان ارزش بازار سرمایه‌گذاری را تعیین کرد. برای این سرمایه‌گذاریها، ارزش بازار شاخص ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری است. در مورد سایر سرمایه‌گذاریها، بازار فعالی وجود ندارد و برای تعیین ارزش منصفانه از طرق دیگری استفاده می‌شود.



طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها

۱۳. آن گروه از واحدهای تجاری که طبق الزامات استاندارد حسابداری شماره ۱۴ با عنوان

” نحوه ارائه داراییهای جاری و بدهیهای جاری“، داراییهای جاری و غیرجاری را در صورتهای مالی خود تفکیک می‌کنند باید سرمایه‌گذاریهای جاری را به عنوان دارایی جاری و سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به عنوان دارایی غیرجاری منعکس کنند.

۱۴. آن گروه از واحدهای تجاری که طبق استانداردهای حسابداری خاص یا مفاد قوانین آمره داراییهای جاری و غیرجاری را در ترازنامه تفکیک نمی‌کنند باید به منظور تعیین مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها، بین آنها تمایز قائل شوند و مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها را مطابق با بندهای ۲۹ تا ۳۸ تعیین کنند.

۱۵. براساس تعریف سرمایه‌گذاری بلندمدت مندرج در بند ۵، سرمایه‌گذاری فقط زمانی به عنوان بلندمدت طبقه‌بندی می‌شود که قصد نگهداری آن برای مدت طولانی به وضوح قابل اثبات باشد یا اینکه در عمل محدودیتهایی در توانایی واگذاری آن توسط واحد تجاری وجود داشته باشد. این اصل صرف نظر از اینکه سرمایه‌گذاری مورد نظر سریع‌المعامله در بازار باشد یا نباشد، مصداق دارد. بنابراین سرمایه‌گذاری بلندمدت مشتمل بر موارد زیر است:

الف. سرمایه‌گذاری در واحد تجاری فرعی و وابسته یا تسهیلات بلندمدت اعطایی به این واحدها.

ب. سرمایه‌گذاریهایی که اساساً جهت حفظ، تسهیل و گسترش فعالیت یا روابط تجاری موجود انجام شده است (این سرمایه‌گذاریها اصطلاحاً سرمایه‌گذاریهای تجاری نام گرفته است).

ج. سرمایه‌گذاریهایی را که نمی‌توان واگذار کرد، یا بدون تأثیر عمده بر فعالیتهای واحد تجاری قابل واگذاری نیست.

د. سرمایه‌گذاریهایی که با قصد استفاده مستمر توسط واحد تجاری نگهداری می‌شود و هدف آن نگهداری پرتفویی از سرمایه‌گذاریها جهت تأمین درآمد و یا رشد سرمایه برای صاحبان سرمایه واحد تجاری است.

۱۶. تنها در شرایطی که معیارهای پیشگفته احراز شود، سرمایه‌گذاری را می‌توان بلندمدت تلقی کرد. این واقعیت که یک سرمایه‌گذاری برای مدت نسبتاً طولانی نگهداری شده است، لزوماً به معنای بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری نیست. در سایر موارد که معیارهای مزبور احراز نگردد، سرمایه‌گذاری (اعم از سریع‌المعامله در بازار یا سایر) به عنوان سرمایه‌گذاری جاری طبقه‌بندی می‌شود.



۱۷. تعریف سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار، دربرگیرنده دو شرط اصلی است. اول وجود بازاری فعال که آزاد و قابل دسترس باشد و دوم اینکه قیمت‌های معاملاتی درچنین بازاری معلوم باشد و علنی اعلام شود. بعلاوه قیمت اعلام شده باید به گونه‌ای قابل اتکا بیانگر قیمتی باشد که بتوان براساس آن معامله کرد. در صورت تحقق این شرایط، سرمایه‌گذاری یک "سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار" است. در عمل مفهوم عبارت "سریع‌المعامله در بازار" ممکن است برای واحدهای تجاری مختلف یکسان نباشد. بنابراین به دلیل تفاوت در میزان دسترس به بازار و در دسترس بودن قیمت‌های اعلام شده، یک سرمایه‌گذاری که هنگام نگهداری توسط برخی مؤسسات خدمات مالی خاص، سریع‌المعامله در بازار تلقی شود، ممکن است برای دیگر واحدهای تجاری این‌چنین نباشد.

۱۸. سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار را، هم می‌توان به عنوان سرمایه‌گذاری جاری طبقه‌بندی کرد و هم در موارد مندرج در بند ۱۵ آن را سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی کرد.

۱۹. برخی از واحدهای تجاری ممکن است به موجب استانداردهای حسابداری خاص یا مفاد قوانین آمره، ترازنامه خود را مطابق فرم ازپیش تعیین شده‌ای که بین داراییهای جاری و غیرجاری تمایزی قائل نمی‌شود، تهیه کنند. بسیاری از واحدهای تجاری، نظیر بانکها و شرکتهای بیمه که در رشته‌های مالی فعالیت می‌کنند، هرچند ممکن است قصد واگذاری داراییهایشان را طی عملیات جاری نداشته باشند، با این حال معمولاً بسیاری از سرمایه‌گذاریهای خود را به عنوان منابعی تلقی می‌کنند که در صورت لزوم، می‌توان آنها را جهت عملیات جاری بکار گرفت. با این حال این واحدهای تجاری ممکن است دارای سرمایه‌گذاریهایی باشند که علی‌الاصول سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی شود. بنابراین بسیاری از این واحدهای تجاری در تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاریهای خود و انتساب مبلغ دفتری به آنها، خصوصیات سرمایه‌گذاری را از نظر جاری یا بلندمدت بودن، مبنای کار قرار می‌دهند.

بهای تمام شده سرمایه‌گذاریها

۲۰. بهای تمام شده یک سرمایه‌گذاری، مخارج تحصیل آن، از قبیل کارمزد کارگزار، حق‌الزحمه‌ها و عوارض و مالیات را نیز دربر می‌گیرد لیکن شامل مخارج مالی تحمل‌شده در رابطه با ایجاد تدریجی یک سرمایه‌گذاری نیست. بهای تمام شده پرتفوی سرمایه‌گذاریها بر مبنای تک‌تک سرمایه‌گذاریهای آن تعیین می‌شود.



۲۱. اگر سرمایه‌گذاری کلاً یا جزئاً در مقابل مابه‌ازای غیرنقد تحصیل شود، بهای تمام شده آن معادل ارزش منصفانه دارایی یا اوراق بهاداری خواهد بود که به عنوان مابه‌ازا واگذار شده است. لیکن هرگاه ارزش منصفانه سرمایه‌گذاری تحصیل شده با سهولت بیشتری قابل تعیین باشد، مبلغ اخیر ممکن است در تعیین بهای تمام شده سرمایه‌گذاری ملاک عمل قرار گیرد.

۲۲. نحوه تعیین بهای تمام شده حق تقدم خریداری شده مشابه با خرید سهام است. همچنین چنانچه واحد تجاری در نتیجه افزایش سرمایه واحد سرمایه‌پذیر صاحب حق تقدم شود وجوه پرداختی بابت سهام جدید یا واگذاری مطالبات سود سهام نقدی از این بابت به بهای تمام شده سرمایه‌گذاری اضافه می‌شود. در موارد بالا پس از حصول اطمینان از دریافت سهام جدید به منظور تعیین مبلغ دفتری هر سهم، جمع مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری قبلی و بهای تمام شده حق تقدم تحصیل شده به کل سهام موجود از بابت سرمایه‌گذاری مربوط تسهیم می‌شود.

۲۳. چنانچه سرمایه‌گذاری تحصیل شده دربرگیرنده حداقل سود تضمین شده یا سود سهام تعلق گرفته و دریافت نشده باشد، بهای تمام شده سرمایه‌گذاری عبارت از بهای خرید بعد از کسر هرگونه سود تعلق گرفته و دریافت نشده خواهد بود.

۲۴. مبالغ سود تضمین شده و سود سهام حاصل از سرمایه‌گذاری، بازده سرمایه‌گذاری است و درآمد تلقی می‌شود؛ مگر اینکه به وضوح بازیاخت بخشی از بهای تمام شده سرمایه‌گذاری باشد. در مورد سود سهام، تنها در صورتی که سود سهام عادی شرکت سرمایه‌پذیر، از محل اندوخته‌ها یا سود قابل تخصیص تا پایان آخرین دوره مالی سالانه گزارشگری پیش از تحصیل سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شود، این گونه مبالغ معرف بازیاخت بخشی از بهای تمام شده سرمایه‌گذاری است و درآمد محسوب نمی‌شود.

انعکاس به ارزش بازار

۲۵. استفاده از ارزش بازار در مورد سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار عملاً موجب می‌شود کلیه تغییرات در ارزش بازار سرمایه‌گذاری در صورتهای عملکرد مالی شناسایی شود صرف‌نظر از اینکه سرمایه‌گذاری به فروش رسیده یا نرسیده باشد. کاربرد این مبنای اندازه‌گیری در تعیین مبلغ دفتری آن گروه از سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به عنوان داراییهای جاری طبقه‌بندی می‌شوند به دلایل زیر مناسب است:



الف. نتیجه عملیات واحد تجاری بنحو مطلوب تری منعکس می شود چون هرگونه افزایش در ارزش بازار سرمایه گذاری، به سبب مستند بودن به دریافت وجه نقد و یا انتظار قریب به یقین به دریافت وجه نقد، معرف سود تحقق یافته دوره است. مضافاً این مبنا ارزیابی بهتری از عملکرد مدیریت فراهم می کند.

ب. از نقطه نظر واقعیت اقتصادی و یکنواختی عمل، عینی ترین ابزار برای اندازه گیری تأثیر مالی تصمیمات مربوط به خرید، فروش و نگهداری سهام طی دوره است. اگرچه سود یا زیان ممکن است در تاریخ ترانزاکشن متبلور نشده باشد، لیکن واقعیت اقتصادی این است که مدیریت از طریق فروش سرمایه گذاری، توانایی تبلور آنها را داشته لیکن به عمد چنین نخواسته است.

ج. دستکاری نتیجه عملیات توسط مدیریت واحد تجاری از طریق انتخاب زمان فروش سرمایه گذاری ناممکن می شود.

د. ارزش بازار خاصه ای از دارایی است که برای مدیریت واحد تجاری و سایر استفاده کنندگان صورتهای مالی بیشترین اهمیت را دارد. افزون بر این، استفاده از این روش اشکال در اندازه گیری اقلام مشابه با قیمتهای متفاوت را که تنها به لحاظ خرید در زمانهای مختلف ایجاد شده است، از بین می برد.

تعیین ارزش بازار اوراق سریع المعامله

۲۶. در عمل، در هر مقطع زمانی، دو قیمت برای ارزیابی اوراق سریع المعامله به ارزش بازار وجود دارد. اول: قیمت "پیشنهاد خرید" است که انتظار می رود سرمایه گذاری به آن قیمت واگذار شود و دوم: قیمت "پیشنهاد فروش" است که انتظار می رود یک سرمایه گذار برای تحصیل سرمایه گذاری پردازد. قیمت سومی که می تواند برای مقاصد ارزیابی بکار گرفته شود، قیمت میانگین بازار، یعنی میانگین قیمت "پیشنهاد خرید" و "پیشنهاد فروش" است. در عمل، تفاوت بین دو قیمت مزبور در مورد یک سرمایه گذاری سریع المعامله در بازار نسبتاً کم است. در نتیجه در این استاندارد قیمت خاصی تجویز نمی شود. واحدهای تجاری، قیمت متناسب با شرایط خاص خود را انتخاب می کنند. برای بیشتر واحدهای تجاری، قیمت صحیح در تئوری، قیمت پیشنهاد خرید است لیکن در عمل قیمت میانگین نیز قابل قبول است. به هر حال هر مبنایی که انتخاب شود به طور یکنواخت اعمال خواهد شد. قیمتتهای



تاریخ ترانزنامه را می‌توان از طریق یک کارگزار رسمی و یا از طریق بورس اوراق بهادار کسب نمود. ارزش بازار پرتفوی سرمایه‌گذاری براساس تک تک سرمایه‌گذاریها محاسبه می‌شود.

۲۷. باید توجه داشت که قیمت اعلام شده بازار قیمتی میانگین است و اغلب مبتنی بر حجم معینی از معاملات است. بنابر این ممکن است راهنمای قابل اتکایی برای استفاده توسط واحد تجاری در شرایط خاص آن نباشد. این امر بویژه هنگامی مصداق دارد که سرمایه‌گذار، بیش از اندازه معمول از یک سرمایه‌گذاری را در اختیار داشته باشد. در چنین شرایطی واگذاری کل سرمایه‌گذاری بدون تغییر در قیمت امکان‌پذیر نیست و بنابراین قیمت مزبور باید در حدی تعدیل شود که درآمد قابل شناسایی در تاریخ ترانزنامه به نحوی اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد. البته نحوه معمول واگذاری توسط واحد تجاری (به صورت یکجا یا بخش بخش) باید در روال فعالیت عادی آن در نظر گرفته شود.

۲۸. در شرایطی که واگذاری اجباری باشد، قیمت مؤثر ممکن است بنحو قابل ملاحظه‌ای کمتر از قیمت اعلام شده بازار باشد. همچنین حجم سهام موجود در بازار برای معامله نیز عامل مهمی در تعیین قیمت بازار است. در این شرایط باید مراتب فوق در تعیین قیمت بازار مورد توجه خاص قرار گیرد.

مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها

۲۹. به استثنای سرمایه‌گذاریهای نگهداری شده توسط صندوقهای سرمایه‌گذاری و واحدهای تجاری مشابه که باید به ارزش بازار گزارش گردد. سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار هرگاه به عنوان دارایی جاری نگهداری شود باید در ترانزنامه به یکی از دو روش زیر منعکس شود:

الف. ارزش بازار، یا

ب. اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش.

۳۰. چنانچه ماهیت و میزان سرمایه‌گذاری به گونه‌ای باشد که جذب آن توسط بازار، بدون تأثیر با اهمیت در نرخ بازار آن، ممکن نباشد، قیمت جاری بازار باید طوری تعدیل شود که منعکس‌کننده عوایدی باشد که واحد تجاری به طور واقع بینانه، انتظار کسب آن را در صورت واگذاری سرمایه‌گذاری در روال عادی فعالیت تجاری داشته باشد.

۳۱. سایر سرمایه‌گذاریهایی که تحت عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی می‌شود، باید در ترانزنامه به یکی از دو روش زیر منعکس شود:

الف. اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش، یا

ب. خالص ارزش فروش.



۳۲. استفاده از ارزشهای جاری تا میزانی که با خصوصیات اتکاپذیری و ملاحظات منفعت و هزینه سازگار باشد، موجب می‌گردد اطلاعات ارائه شده در صورتهای مالی برای استفاده‌کنندگان، در راستای ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد تجاری مفید واقع شود. بدین لحاظ و باتوجه به دلایل ذکر شده در بند ۲۵، سرمایه‌گذاری سریع‌المعامله در بازار را که به عنوان دارایی جاری نگهداری می‌شود می‌توان به ارزش بازار آن در ترازنامه منعکس کرد و هرگونه افزایش یا کاهش در ارزش آن طی دوره را به عنوان بخشی از نتایج عملیات واحد تجاری در صورت سود و زیان شناسایی شود. رویه مجاز دیگر، انعکاس سرمایه‌گذاریهای مزبور به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش در ترازنامه است.

۳۳. سایر سرمایه‌گذاریهای جاری (غیر از سریع‌المعامله در بازار) به اقل بهای تمام شده اولیه و خالص ارزش فروش در ترازنامه منعکس می‌شود. این سرمایه‌گذاریها، معمولاً به بهای تمام شده انعکاس می‌یابد مگر در مواردی که کاهش در ارزش سرمایه‌گذاری قابل تشخیص باشد. رویه مجاز دیگر، استفاده از خالص ارزش فروش است هنگامی که مبلغ آن به گونه‌ای اتکاپذیر قابل اندازه‌گیری باشد. اگر رویه اخیر انتخاب شود، هرگونه افزایش و کاهش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری به عنوان درآمد یا هزینه سرمایه‌گذاریها در زمره فعالیت‌های عادی در صورت سود و زیان شناسایی می‌شود.

۳۴. سرمایه‌گذاریهایی که تحت عنوان دارایی غیرجاری طبقه‌بندی می‌شود باید در ترازنامه به یکی از روشهای زیر منعکس شود:
الف. بهای تمام شده پس از کسر هرگونه کاهش ارزش انباشته.
ب. مبلغ تجدید ارزیابی به عنوان یک نحوه عمل مجاز جایگزین.
در صورت انعکاس به مبلغ تجدید ارزیابی، مطابق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان "داراییهای ثابت مشهود" عمل می‌شود با این تفاوت که دوره تناوب تجدید ارزیابی یک سال خواهد بود.

۳۵. از آنجا که سرمایه‌گذاریهای بلندمدت برای مدت طولانی نگهداری می‌شوند، ارزش بازار آنها از نظر مربوط بودن به اندازه‌گیری سود و زیان دوره، اهمیت چندانی ندارد زیرا که مدیریت واحد تجاری قصد و یا توان آن را ندارد که این ارزش را از طریق فروش آنها متبلور سازد. به این دلیل، سرمایه‌گذاریهای بلندمدت به بهای تمام شده، پس از کسر کاهش ارزش انباشته آنها در ترازنامه انعکاس می‌یابد. در نحوه عمل مجاز جایگزین، این سرمایه‌گذاریها را می‌توان براساس مبلغ تجدید ارزیابی آنها منعکس نمود. اگر این رویه انتخاب شود، احتساب هرگونه افزایش در ارزش به عنوان درآمد تحقق یافته دوره مناسب نیست. در عوض، مبلغ هرگونه افزایش به عنوان مازاد تجدید ارزیابی



تلقى می‌شود و در سرفصل حقوق صاحبان سهام انعکاس می‌یابد. در صورت انعکاس به مبلغ تجدید ارزیابی، طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان داراییهای ثابت مشهود عمل می‌شود با این تفاوت که در مورد تناوب تجدید ارزیابی مفاد بند ۳۴ ملاک عمل قرار می‌گیرد.

۳۶. چنانچه مدیریت واحد تجاری، سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به مبلغ تجدید ارزیابی منعکس کند، این ارزیابی باید همه ساله انجام شود. بدین معنی که واحدهای تجاری مجاز نیستند سرمایه‌گذاریهای بلندمدت را به مبلغی که نه معرف ارزش جاری و نه معرف بهای تمام شده است، منعکس کنند. این امر منعکس‌کننده این نظریه است که به غیر از بهای تمام شده اولیه، تنها ارزش مربوط و معنی‌دار برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، ارزش جاری است.

۳۷. چنانچه یک "سرمایه‌گذاری سریع المعامله در بازار" به عنوان دارایی غیرجاری نگهداری شود، چون واحد تجاری در واگذاری آن محدودیت دارد یا تمایلی به واگذاری آن ندارد تا افزایش در ارزش آن در عمل متبلور شود، تلقی هرگونه افزایش در ارزش بازار آن به عنوان تحقق یافته، مناسب نیست و در نتیجه نباید این تغییرات را در صورت سود و زیان منعکس کرد.

۳۸. مبلغ کل سرمایه‌گذاریهای سریع المعامله که به عنوان دارایی جاری نگهداری می‌شود باید بر مبنای مجموعه (پرتفوی) سرمایه‌گذاریهای مزبور تعیین شود. مبلغ کل سرمایه‌گذاریهای بلندمدت و سایر سرمایه‌گذاریهای جاری، عبارت از جمع مبلغ دفتری تک تک سرمایه‌گذاریهای مربوط است که جداگانه تعیین می‌شود.

تغییر مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها

۳۹. هرگاه سرمایه‌گذاریهای سریع المعامله‌ای که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده است، به ارزش بازار منعکس شود، هرگونه افزایش یا کاهش در مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود.

۴۰. هرگاه سایر سرمایه‌گذاریهای جاری (یعنی غیر از سریع المعامله در بازار) به خالص ارزش فروش منعکس شود، هرگونه افزایش و کاهش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود.

۴۱. هرگاه سرمایه‌گذاری بلندمدت به مبلغ تجدید ارزیابی ثبت شود، نحوه حسابداری آن باید طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان "داراییهای ثابت مشهود" باشد. افزایش مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری بلندمدت در نتیجه تجدید ارزیابی باید به عنوان مازاد تجدید ارزیابی ثبت و در ترازنامه به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سرمایه منعکس شود. هرگاه افزایش مزبور عکس یک کاهش قبلی ناشی از تجدید ارزیابی باشد که به عنوان هزینه شناسایی شده است، این افزایش باید تا میزان هزینه شناسایی شده در رابطه با همان دارایی به عنوان درآمد شناسایی شود. کاهش مبلغ دفتری یک قلم سرمایه‌گذاری بلندمدت در نتیجه تجدید ارزیابی باید به عنوان هزینه شناسایی شود.



چنانچه کاهش مزبور عکس يك افزایش قبلي ناشی از تجدید ارزیابی باشد که به حساب مازاد تجدید ارزیابی منظور شده است، در این صورت این کاهش باید تا میزان مازاد تجدید ارزیابی مربوط به همان سرمایه‌گذاری به حساب مازاد تجدید ارزیابی بدهکار گردد و باقیمانده به عنوان هزینه شناسایی شود.

۴۲. باتوجه به مفهوم تحقق که عبارت است از الزام به اینکه درآمد مستند به دریافت وجه نقد (یا دارایی دیگری که با قطعیت معقول انتظار تبدیل آن به وجه نقد وجود دارد) شده باشد و یا با انتظار قریب به یقین مستند شود، مازاد تجدید ارزیابی مذکور در بند ۴۱، درآمد تحقق نیافته تلقی می‌گردد. به استثنای مواردی که نحوه عمل حسابداری آن به موجب قانون مشخص شده است، افزایش سرمایه به‌طور مستقیم از محل مازاد مزبور مجاز نیست و تنها در زمان تحقق، طبق بند ۴۵ به حساب سود و زیان انباشته منتقل می‌شود.

۴۳. دریافت سود سهمی (یا سهام جایزه) موجب تغییر در مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری نمی‌شود بلکه به منظور تعیین مبلغ دفتری هر سهم، مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری باید به تعداد کل سهام موجود بعد از دریافت سود سهمی تقسیم شود.

۴۴. دریافت سود سهمی یا سهام جایزه منجر به ورود وجه نقد یا داراییهای دیگر به واحد تجاری سرمایه‌گذار نمی‌شود. به بیان دیگر واحد تجاری سرمایه‌گذار با دریافت سود سهمی چیزی جز آنچه داشته است، تحصیل نمی‌کند. به همین دلیل در زمان دریافت سود سهمی نمی‌توان درآمد سرمایه‌گذاری را شناسایی کرد و یا بهای تمام‌شده سرمایه‌گذاری را افزایش داد. دریافت سود سهمی تنها باعث افزایش تعداد سهام در سرمایه‌گذاری مربوط و در نتیجه کاهش مبلغ دفتری هر سهم موجود می‌شود. از سوی دیگر، تقسیم سود به شکل نقد و سپس افزایش سرمایه از محل مطالبات سهامداران با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده در تعریف سود سهمی طبق این استاندارد قرار نمی‌گیرد، ضمن اینکه به موجب اصلاحیه قانون تجارت، واحد سرمایه‌گذار حق مطالبه سود سهام نقدی را دارد و تنها در صورت تمایل، این حق را در قبال کسب سهام جدید واگذار می‌کند که این امر به منزله دریافت سود سهام و پرداخت مجدد آن در قبال سهام جدید است. بدین ترتیب سود سهام نقدی مزبور با رعایت الزامات این استاندارد و استاندارد حسابداری شماره ۳ با عنوان درآمد عملیاتی شناسایی می‌شود.

واگذاری سرمایه‌گذاریها

۴۵. هرگاه يك سرمایه‌گذاری واگذار شود، تفاوت عواید حاصل از واگذاری و مبلغ دفتری باید به عنوان درآمد یا هزینه شناسایی شود. در مورد سرمایه‌گذاریهای جاری که به خالص ارزش فروش یا ارزش بازار ثبت شده و سرمایه‌گذاریهای بلندمدتی که به مبلغ تجدید ارزیابی انعکاس یافته است، سود یا زیان واگذاری باید نسبت به آخرین مبلغ دفتری و در مورد سرمایه‌گذاریهای جاری سریع‌ال معامله که براساس پرتفوی سرمایه‌گذاری به اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش نشان داده می‌شود، سود یا زیان واگذاری باید



نسبت به بهای تمام شده تعیین شود. در مورد سرمایه‌گذاری‌هایی که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده است، تفاوت ناشی از واگذاری باید به عنوان درآمد یا هزینه سرمایه‌گذاری و در مورد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، تفاوت مذکور باید به عنوان سود یا زیان واگذاری شناسایی شود. هر گونه خالص مازاد ناشی از تجدید ارزیابی یک سرمایه‌گذاری که قبلاً در حساب مازاد تجدید ارزیابی منظور و در آن نگهداری شده است، باید به عنوان تغییر در اجزای حقوق صاحبان سرمایه، به بستانکار حساب سود و زیان انباشته منظور شود.

۴۶. هرگاه تنها بخشی از مجموع یک سرمایه‌گذاری خاص واحد تجاری که به بهای تمام شده منعکس شده است، واگذار شود، مبلغ دفتری بر مبنای میانگین بهای تمام شده مجموع سرمایه‌گذاری محاسبه خواهد شد.

۴۷. در مواردی که حق تقدم خرید سهام توسط واحد تجاری سرمایه‌گذار به فروش می‌رسد مبلغ دفتری سرمایه‌گذاری مربوط پس از کسر مبلغ اسمی سهام موجود به نسبت تعداد بین حق تقدم و سهام موجود تسهیم می‌شود.

۴۸. هرگونه سود تضمین شده و یا سود سهام ممتاز تعلق گرفته و دریافت نشده مندرج در عواید حاصل از فروش به طور جداگانه به حساب گرفته خواهد شد.

تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاریها

۴۹. تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت به جاری، باید با رعایت شرایط مندرج در استاندارد حسابداری ۳۱ (دارایی‌های غیرجاری نگهداری شده برای فروش و عملیات متوقف شده انجام شود).

۵۰. تغییر طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های جاری به بلندمدت باید به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش، یا چنانچه قبلاً به ارزش بازار (یا خالص ارزش فروش) ثبت شده است به این ارزش انتقال یابد.

۵۱. در شرایط خاص، باتوجه به معیارهای ذکر شده در بند ۱۵، ممکن است تغییر طبقه‌بندی یک سرمایه‌گذاری که ابتدا به عنوان دارایی جاری تحصیل شده، مناسب باشد. برعکس، ممکن است شرایط مندرج در بند ۱۵ از بین برود و نیاز به تغییر طبقه‌بندی بوجود آید. در این صورت نحوه حسابداری تغییر طبقه‌بندی طبق بندهای ۴۹ و ۵۰ است.

۵۲. در کلیه موارد، تصمیم به انتقال یک سرمایه‌گذاری بین طبقات جاری و بلندمدت، باید به طور رسمی در سوابق داخلی واحد تجاری مستند شود. این مستندسازی باید تاریخ مؤثر انتقال را مشخص کند.



صورت سود و زیان

۵۳. علاوه بر موارد ذکر شده در بندهای بالا، اقلام زیر باید به سود و زیان منظور شود:

الف. هرگونه هزینه ناشی از کاهش خالص ارزش فروش سرمایه‌گذاریهای کوتاه‌مدتی که به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش ارزیابی می‌شود،

ب. هرگونه هزینه کاهش ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدتی که به روش بهای تمام شده ارزیابی می‌شود، و

ج. هرگونه برگشت کاهشهای قبلی موارد " الف " و " ب " با توجه به تغییر در شرایط.

۵۴. سود نگهداری مربوط به اوراق سریع‌المعامله در بازار که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده و به روش ارزش بازار ارزیابی می‌شود، منعکس‌کننده افزایش در ارزش بازار طی دوره است و درآمد تحقق یافته می‌باشد. بنابراین درآمد مزبور در سود و زیان به عنوان درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری طی دوره منظور می‌شود. هرگونه کاهش در ارزش بازار طی دوره نیز به عنوان هزینه شناسایی می‌شود.

۵۵. در مورد سایر سرمایه‌گذاریهای جاری، هرگاه خالص ارزش فروش کمتر از بهای تمام شده گردد، برای زیان مربوط، ذخیره ایجاد می‌شود. به گونه‌ای مشابه برای کاهش ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدت، ذخیره ایجاد می‌گردد. ذخایر مزبور در صورتی که به دلیل تغییر در شرایط مورد نیاز نباشد، برگشت می‌شود.

۵۶. هرگاه سرمایه‌گذاری بلندمدت به مبلغ تجدید ارزیابی ثبت شده باشد هرگونه کاهش در ارزش نسبت به مبلغ تجدید ارزیابی اندازه‌گیری می‌شود. نحوه به حساب گرفتن این مبالغ طبق استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان حسابداری داراییهای ثابت مشهود خواهد بود.

مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری

۵۷. مؤسسات تخصصی سرمایه‌گذاری که از توزیع سود حاصل از واگذاری سرمایه‌گذاری منع شده‌اند، باید سود یا زیان حاصل از واگذاری سرمایه‌گذاری و نیز تغییرات ارزش سرمایه‌گذاریها را که طبق الزامات این استاندارد به سود و زیان منظور می‌شود، نخست در صورت سود و زیان منعکس و سپس از طریق تخصیص سود به حساب اندوخته‌های غیرقابل تقسیم منتقل کنند.

افشا

۵۸. اطلاعات زیر باید در صورتهای مالی افشا شود:

الف. رویه‌های حسابداری مورد استفاده برای سرمایه‌گذاریها مشتمل بر نحوه حسابداری تغییرات مبلغ دفتری،

ب. مبلغ سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده است،

ج. مبلغ درآمد حاصل از سرمایه‌گذاریهای سریع‌المعامله در بازار که به عنوان دارایی جاری نگهداری و به روش ارزش بازار ارزیابی شده است،



شامل درآمد حاصل از تغییر در ارزش بازار و تفکیک جداگانه سود و زیان ناشی از انتقال سرمایه‌گذاری بین جاری و بلندمدت،

د . ارزش بازار سرمایه‌گذاریهای سریع‌ال معامله در بازار که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده و به روش اقل بهای تمام‌شده و خالص ارزش فروش ارزیابی شده است،

ه . ارزش بازار سرمایه‌گذاریهای سریع‌ال معامله در بازار که به عنوان دارایی غیرجاری نگهداری شده است،

و . مبلغ هر گونه سود یا زیان ناشی از واگذاری سرمایه‌گذاریهای بلندمدت،

ز . مبلغ کاهش ارزش سرمایه‌گذاریهای بلندمدت،

ح . محدودیتهای قابل توجه در رابطه با امکان تبدیل سرمایه‌گذاریها به نقد یا وصول درآمد و عواید واگذاری آنها، و

ط . در مورد مؤسساتی که فعالیت عمده آنها سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار است، صورت تحلیلی پرتفوی سرمایه‌گذاری.

۵۹ . در صورتهای مالی، رویه‌های حسابداری مورد استفاده برای سرمایه‌گذاری افشا می‌شود به گونه‌ای که مبانی ارزیابی و شرایطی که در آن هر یک از رویه‌ها اعمال شده، به وضوح مشخص شده باشد. افشای مزبور شامل رویه‌های مربوط به نحوه حسابداری تغییرات مبلغ دفتری سرمایه‌گذاریها نیز می‌باشد.

۶۰ . برای درک صورتهای مالی، بویژه صورت سود و زیان، افشای میزان تأثیر عملکرد سرمایه‌گذاری بر نتایج عملیات واحد تجاری طی دوره از اهمیت برخوردار است. این امر، مقایسه با سالهای قبل و واحدهای تجاری دیگر را تسهیل می‌کند. براین اساس، در صورت اهمیت، مبلغ سرمایه‌گذاری سریع‌ال معامله در بازار که به عنوان دارایی جاری نگهداری شده، همراه با درآمد حاصل از آنها و در صورت استفاده از روش ارزش بازار درآمد ناشی از تغییرات در ارزش بازار آنها، جداگانه افشا می‌شود.

تاریخ اجرا

۶۱ . الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۸۰/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

مطابقت با استانداردهای بین‌المللی حسابداری

۶۲ . با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۲۵ با عنوان حسابداری سرمایه‌گذاریها نیز رعایت می‌شود.

